

## شیوه دفاعی اسلام در برابر حمله‌های اقتصادی اهل کتاب

reza.shaer@gmail.com

Taheri-akerdi@iki.ac.ir

محمد رضا اسدی / دانشجوی دکتری عرفان و ادیان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی \*

محمد حسین طاهری آکر دی / استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی \*

دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۲۴ - پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۰۶

### چکیده

«اهل کتاب» به‌عنوان پیروان ادیان الهی پیش از اسلام، رفتار ثابتی در برخورد با مسلمانان نداشتند. هرچند دست‌کم گروهی از آنان، با ابراز دشمنی نسبت به مسلمانان، حمله‌های گوناگونی را بر آنان وارد کردند که تهاجم اقتصادی یکی از آنهاست. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی، به بررسی تهاجم اقتصادی اهل کتاب بر اسلام پرداخته، نشان می‌دهد که اسلام در برابر این حمله‌ها با اتخاذ رویکردها، روش‌ها و ابزارهای مؤثر، واکنش‌های لازم را از خود نشان داده، و با رصد دقیق و کنترل اوضاع اهل کتاب و مسلمانان، گام‌های مؤثری برای کاهش خطرات این تهاجم‌ها برداشته است. قرآن، و سیره معصومان علیهم‌السلام، هدایت فکری و عملی مسلمانان، را در حفظ امنیت اقتصادی و صیانت از اقتدار همه‌جانبه جامعه اسلامی بر عهده داشتند. توجه به سلامت اقتصاد داخلی، قطع وابستگی به بیگانگان، کنترل امور اقتصادی اهل کتاب و هزینه مالی برای پیشبرد امور دفاعی، از بارزترین اموری است که در این راستا اسلام بدان‌ها توجه کرده است.

**کلیدواژه‌ها:** دفاع اقتصادی، اهل کتاب، رویکرد اسلام، روش اسلام، ابزار اسلام.

## مقدمه

انسان تحت تأثیر زمینه‌های مادی زندگی خود است و نیازهای مالی او، بر رفتارهایش اثر بسیاری می‌گذارد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «شیطان، به شما وعده فقر و تهیدستی می‌دهد و به فحشا امر می‌کند، ولی خداوند وعدهٔ آموزش و فرونی به شما می‌دهد و خداوند، قدرتش وسیع و داناست» (بقره: ۲۶۸). مشکلات مادی می‌تواند حجابی بر دیدگان حقیقت‌بین افراد ایجاد کند و آنان را از مسیر صحیح منحرف سازد. امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «فقر، فرد زیرک را به هنگام بیان دلیل خویش لال می‌کند» (تمیمی آمدی، ۱۳۳۶، ص ۳۶۵، ح ۸۲۲۷).

برخی از اهل کتاب، با توجه به تأثیر مادیات بر زندگی فرد، با رساندن آسیب اقتصادی به جامعه اسلامی، در پی سست کردن بنیان عقیدتی، ایجاد اعوجاج در رفتار مسلمانان و بر هم زدن ثبات و نظم جامعه اسلامی در زمان معصومان علیهم السلام بودند. البته همهٔ اهل کتاب یکسان نبودند، بلکه عده‌ای از آنان همواره با اخلاق خوش و روی گشاده با مسلمانان برخورد می‌کردند، عده‌ای نیز بی‌اعتنا بودند و دسته دیگری، با عناد و لجاجت، به دشمنی با اسلام و مسلمانان پرداخته، مزاحمت‌هایی را متوجه مسلمانان می‌ساختند. قرآن در این باره می‌فرماید: «عدهٔ کمی از آنان با ایمانند، و بیشتر آنان فاسقند» (آل عمران: ۱۱).

«تهاجم» در لغت چنین معنا شده است: «رسیدن ناگهانی بر فرد و غافل‌گیری (فراهمی، ۱۴۰۹ق؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق؛ طریحی، ۱۳۷۵)، «حمله کردن، هجوم آوردن و یورش» (دهخدا، ۱۳۴۹؛ عمید، ۱۳۵۰). اما مراد ما از تهاجم در این نوشتار، هر گونه تهدید یا تلاش کارشکنانه و توطئه‌آمیز علیه باورها، ارزش‌ها، اخلاقیات و افعال اسلامی است که خواسته یا ناخواسته از سوی مخالفان اسلام به کار گرفته، موجب خطر در مرزهای فکری، عملی و جغرافیایی مسلمانان می‌شود؛ چراکه برای کامل‌تر شدن بحث، باید حتی رفتارهای آنان را که ناخواسته موجب آزار مسلمانان می‌شد، مورد بررسی قرار داد تا واکنش‌های معصومان علیهم السلام در برابر آنها مورد بررسی قرار گیرد.

«اقتصاد» در لغت به معنای میانه‌روی (دهخدا، ۱۳۴۹)، رعایت اعتدال در دخل و خرج، صرفه‌جویی (معین، ۱۳۶۴) آمده و در اصطلاح، به معنای شیوهٔ زندگی مادی روزانه و فعالیت‌های فردی و اجتماعی انسان است که برای بهبود وضع مالی و تأمین نیازهای مادی او انجام می‌شود (اقتداری، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۸). اقتصاد به این معنا، از اموری است که با رفتار انسان، رابطهٔ تنگاتنگی دارد (گیدنز، ۱۳۸۶، ص ۵۳۸-۵۳۹). آلفرد مارشال (Alfred Marshall) اقتصاددان انگلیسی اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ با تأکید بر جنبهٔ

رفتاری انسان، می‌گوید: «اقتصاد از یک سو با علم ثروت و از سوی دیگر، که اهمیت آن بیشتر است، با بررسی رفتار انسان پیوستگی دارد» (اقتداری، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۱).

اما درباره «اهل کتاب» تعاریف مختلفی ارائه شده است. چنانکه شهید صدر می‌نویسد: «اهل کتاب به آن ملت‌های دینی گفته می‌شود که پیش از اسلام برای آنها پیامبری مبعوث و کتابی نازل شده است. به همین جهت اهل کتاب نام گرفته‌اند» (صدر، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۴۹۲). ایشان پس از تعریف اصطلاح «اهل کتاب» می‌نویسد: «قدر متیقن از آنان، دو گروه هستند: یهودیان که پیامبرشان حضرت موسی علیه السلام و کتاب آسمانی‌شان تورات است، و مسیحیان که پیامبرشان حضرت عیسی بن مریم علیه السلام و کتاب آسمانی‌شان انجیل است» (همان). اندیشمندانی چون علامه طباطبائی نیز در بیان مصادیق اهل کتاب بر همین دو گروه اکتفا کرده‌اند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۷۵). اما شهید صدر، احتمال می‌دهد که این عنوان شامل مسلمانان، زرتشتیان و صابئیان نیز بشود (صدر، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۴۹۲).

اما از منظر اسلامی، یهودیان کسانی هستند که به خدای یکتا (تشبیه ۶:۴؛ دی لانیج، ۲۰۰۰، ص ۱۶۲)، حضرت موسی علیه السلام و پیامبران پیش از او ایمان دارند و کتاب آسمانی‌شان «تورات» است. «مسیحیان» به کسانی گفته می‌شود که به خدای یکتا و نبوت عیسی بن مریم علیه السلام و پیامبران پیش از او ایمان دارند. به گفته قرآن، کتاب مقدس‌شان «انجیل» است. البته بعدها مباحثی چون الوهیت مسیح و تثلیث، مسیحیت راستین را به انحراف کشید (والش، ۲۰۰۵، ص ۱-۲؛ اسکاف، ۱۹۱۹، ج ۲، ص ۴۵). «زرتشتیان» کسانی هستند که به زرتشت به‌عنوان پیامبر خدا ایمان دارند. کتاب مقدس‌شان «اوستا» است (شهرستانی، ۱۹۷۵ق، ج ۱، ص ۲۳۸؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۵۰۵). به نظر علامه طباطبائی، منظور از «مجوسی» که در قرآن کریم از آنان نام برده شده است، زرتشتیان هستند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۳۵۸). «صابئیان» نیز گروهی هستند که اگرچه نمی‌توان اطلاعات دقیق و قطعی را درباره آنان ارائه کرد (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۲۵۹)، اما *ابوریحان بیرونی* درباره آنان می‌نویسد: «ما درباره صابئیان جز این نمی‌دانیم که ایشان خدا را یکی می‌دانند، او را از زشتی‌ها منزّه می‌دانند و او را به صفات سلبی متصف می‌کنند؛ مثلاً می‌گویند: خداوند محدود نیست، دیده نمی‌شود و ستم نمی‌کند» (بیرونی، ۱۹۶۴، ص ۲۰۶-۲۰۴). درباره کتاب آسمانی نیز باید گفت آنها معتقدند: کتاب‌های مقدس آسمانی نخست به آدم، و پس از وی به نوح، و بعد از او به سام، و سپس به رام، و بعد به ابراهیم خلیل، سپس به موسی و بعد از او بر یحیی بن زکریا نازل شده است (برنجی، ۱۳۶۷، ص ۱۸۱). آنان به چند کتاب مقدس اعتقاد دارند که دو کتاب از نظر آنان اهمیت بیشتری دارد: ۱. «کنز ربا» که این کتاب

را «سدره» یا «صحف آدم» نیز می‌نامند که از چگونگی خلقت و پیدایش موجودات بحث می‌کند. ۲. کتاب «در اشا ادیهیا» یا «سدرادهی» که درباره زندگی حضرت یحیی و دستورات و تعالیم او سخن می‌گوید. آنها معتقدند: این کتاب به وسیله جبرئیل به یحیی وحی و الهام شده است (همان).

### گونه‌های تهاجم اقتصادی اهل کتاب

با مروری بر تاریخ تردیدی باقی نمی‌ماند که اهل کتاب نسبت به مسلمانان تهاجم‌هایی داشته‌اند. از آن جمله می‌توان به تهاجم اقتصادی آنان اشاره نمود. نمونه‌هایی از تهاجم‌های اقتصادی اهل کتاب بر مسلمانان عبارت است از: تحریم، عدم بازپرداخت اموال مسلمانان و تخریب اقتصاد داخلی مسلمانان با ترغیب آنان به بخل. اکنون به توضیح بیشتر این موارد می‌پردازیم:

#### الف. تحریم

از جمله همه‌هایی که گروهی از اهل کتاب در حق مسلمانان روا داشتند، تحریم اقتصادی برای تضعیف و زیر فشار قرار دادن آنان بود. بی‌تردید فقر مالی موجب پایین آمدن آستانه تحمل افراد و کاهش استقامت در برابر مشکلات است. فرد تنگ‌دست ناخواسته تمایل دارد که به هر نحوی اسباب فقر را برطرف کند. گروهی از اهل کتاب، با آگاهی از این موضوع، با حربه تحریم، مسلمانان را تحت فشار اقتصادی قرار می‌دادند تا آنان را وادار به دست کشیدن از آیین مقدس و آرمان‌های بلند خود کنند. این نوعی تهاجم نرم بر مسلمانان بود. طباره در این باره می‌گوید: «بعضی از یهودیان با هدف دور ساختن مسلمانان از دین‌شان دست به اموری زدند. از جمله قطع ارتباط اقتصادی با کسی که به اسلام گردن می‌نهاد» (طباره، ۱۹۸۴، ص ۲۳).

نمونه‌هایی از این تحریم‌ها، در حوادث واقع شده در زمان معصومان علیهم‌السلام نقل شده است. هنگامی که گروهی از مسلمانان از آزار مشرکان به تنگ آمدند، به مدینه هجرت نمودند. جامعه نوپای اسلامی، دچار یک بحران اقتصادی بزرگ بود. مسلمانان حتی قادر به تأمین مخارج زندگی روزانه خود نبودند. اگرچه انصار، از هیچ‌گونه کمک مالی به مهاجران دریغ نکردند و مسلمانان همه تلاش خود را برای پابرجا نگه داشتن نهال نوپای اسلام به کار می‌بستند، اما دامنه این بحران، بزرگ‌تر از اینها بود. مسلمانان نمی‌توانستند بدون استمداد از هم‌پیمانان غیرمسلمان، بر مشکلات فائق آیند. از این رو، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نماینده‌ای را به سوی رؤسای یهود فرستاد و از آنان تقاضای وام نمود. اما آنان نه تنها از دادن وام به مسلمانان خودداری کردند، بلکه زبان به توهین به مقدسات اسلام باز

کردند (صالحی الشامی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۴۰۰). علامه جعفر مرتضی در این باره می‌نویسد: «بزرگان یهود از قرض دادن به مسلمانان در ابتدای زمان حضورشان در مدینه خودداری می‌کردند. درحالیکه مسلمانان در تنگ‌دستی شدید به سر می‌بردند. مهاجران فقیر بودند و مالی نداشتند و اهل مدینه‌ای که مسلمان شده بودند نیز وسعت مالی چندانی نداشتند» (عاملی، ۱۴۰۰ق، ج ۴، ص ۱۲۶). تفسیر مجمع‌البیان در شأن نزول آیه ۱۸۱ از سوره آل عمران می‌گوید:

گویند پیغمبر ﷺ به وسیله ابوبکر نامه‌ای برای یهود بنی قینقاع فرستاد و آنها را به نماز و زکات و قرض دادن در راه خدا دعوت کرد. ابوبکر به کنیسه آنها در آمد و مردمی بسیار را دید که بر گرد مردی جمع شده‌اند به نام «فئحاص بن عازورا». ابوبکر آنها را به اسلام و نماز و زکات خواند. فئحاص گفت: اگر آنچه گویی حق است، خدا فقیر است و ما بی‌نیاز و اگر خدا بی‌نیاز است، از اموال ما قرض نمی‌خواست. ابوبکر در خشم شد و سیلی به او زد (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۴، ص ۳۶۷).

به هر حال، تحریم یکی از گونه‌های تهاجم‌های اقتصادی علیه مسلمانان توسط برخی از اهل کتاب بود که در منابع اصلی یهودیان به صراحت بیان شده است. در کتاب مقدس، در تجویز رباخواری از غیریهودیان می‌گوید: «وقتی به برادر اسرائیلی خود پول، غذا یا هر چیز دیگری قرض می‌دهید، از او بهره نگیرید. از یک غریبه می‌توانید بهره بگیرید، ولی نه از یک اسرائیلی» (تثنیه ۲۳: ۲۰ و ۲۱). در تلمود نیز آمده است که دزدی از یهودی حرام و از غیریهودی جایز است؛ چون اموال دیگران مانند رمل‌های دریا است و هر کس زودتر بر آن دست گذاشت، او مالک است. به کسانی که یهودی نیستند، قرض ندهید، مگر آنکه نزول بگیرید. در غیر این صورت، قرض دادن به غیریهودی جایز نیست و ما مأموریم که به آنها ضرر برسانیم. حیات و زندگانی دیگران ملک یهود است، چه رسد به اموال آنها! هرگاه غیریهودی احتیاج به پول داشته باشد، آن قدر باید از او ربا و نزول گرفت که تمام دارائی خود را از دست بدهد (اتل، بی‌تا، ص ۷۴).

### ب. عدم بازپرداخت اموال مسلمانان

گروهی از اهل کتاب معتقد بودند که مسئول حفظ امانت‌های دیگران نیستند. حتی حق تملک آنها را نیز دارند. آنان برای این کار خود چنین استدلال می‌کردند که ما کسانی هستیم که پیامبر خدا و کتاب او در میان ما بوده است. پس ماییم که قوم محترم هستیم و دیگران و اموالشان نزد ما احترامی ندارند. عدم بازپرداخت اموال مسلمانان از جانب اهل کتاب، می‌توانست آنان (مسلمانان) را در تنگنای اقتصادی قرار دهد. زاین‌و، نوع دیگری از تهاجم اهل کتاب بر مسلمانان، در قالب هجمه اقتصادی به‌شمار می‌آید. قرآن کریم درباره این خصلت ناپسند اهل کتاب می‌فرماید:

«وَمَنْ أَهْلُ الْكِتَابِ مَنْ إِِنْ تَأَمَّنْهُ بَقِطَارٍ يُؤَدُّهُ إِلَيْكَ وَمَنْهُمْ مَنْ إِِنْ تَأَمَّنْهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدُّهُ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمَّتْ عَلَيْهِ قَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيْنِ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذْبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» (آل عمران: ۷۵)؛ و در میان اهل کتاب، کسانی هستند که اگر ثروت زیادی به رسم امانت به آنها بسپاری، به تو باز می‌گردانند و کسانی هستند که اگر یک دینار هم به آنان بسپاری، به تو باز نمی‌گردانند، مگر تا زمانی که بالای سر آنها ایستاده باشی! این به‌خاطر آن است که می‌گویند: «ما در برابر اُمیین (غیر یهود)، مسئول نیستیم» و بر خدا دروغ می‌بندند درحالی‌که می‌دانند [این سخن دروغ است].

این آیه، به صراحت از خیانت در امانت‌داری و عدم بازپرداخت اموال مردم از سوی گروهی از اهل کتاب سخن می‌گوید. بعضی تفاسیر، در شأن نزول این آیه آورده‌اند که منظور از «گروه امانت‌دار اهل کتاب»، همان نصارا و مراد از «گروه خائن در امانت»، یهودیان هستند (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۳). بعضی از تفاسیر نیز در شأن نزول این آیه آورده‌اند که منظور از هر دو گروه، یهودیان هستند و عبارت «مَنْ إِِنْ تَأَمَّنْهُ بَقِطَارٍ يُؤَدُّهُ إِلَيْكَ»؛ اگر ثروت زیادی به رسم امانت به آنها بسپاری، به تو باز می‌گردانند، دربارهٔ عبدالله بن سلام است که فردی ثروتمند، مقدار زیادی طلا نزد او به امانت گذاشت. او همه را به موقع و بی کم و کاست به او بازگرداند. و عبارت «مَنْ إِِنْ تَأَمَّنْهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدُّهُ إِلَيْكَ...»؛ کسانی هستند که اگر یک دینار هم به آنان بسپاری، به تو باز نمی‌گردانند، دربارهٔ فنحاص بن عازورا است که مردی از قریش یک دینار نزد او به امانت گذاشت و او در آن خیانت کرد (زمخشری، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۷۵).

به هر حال، بنا بر این آیه قرآن، بی‌تردیدی این خصلت در گروهی از اهل کتاب وجود داشته است و آنان از بازپرداخت اموالی که از دیگران نزد آنها بود، دریغ می‌کردند. با توجه به سابقه‌ای که از رفتار یهودیان با مسلمانان در تاریخ ثبت شده است، به یقین این رفتار در برخورد با مسلمانان نیز تکرار می‌شد. مسلمانان از این ظلم مستثنا نمی‌شدند. برخی پژوهشگران نیز در کتاب‌های خود به وقوع این برخورد از اهل کتاب تصریح کرده‌اند و نوشته‌اند: یهودیان از بازگرداندن وام‌ها و امانت‌هایی که از مسلمانان در دست داشتند و لازم بود به آنان برگردانند، امتناع می‌کردند (طباره، ۱۹۸۴، ص ۲۳).

برای مثال نقل شده است: مردی از اهل جاهلیت کالایی را به یک یهودی فروخت. او پس از مدتی مسلمان شد. اما هنگامی که از آن یهودی خواست تا پولش را به او بدهد، یهودیان در پاسخ او گفتند: امانتی از تو نزد ما نیست و ما هیچ تکلیفی نسبت به تو نداریم؛ زیرا شما آیینی را که بر آن بوده‌اید ترک کرده‌اید. سپس ادعا کرد که آنان این حکم را در کتاب خود یافته‌اند (عاملی، ۱۴۰۰ق، ج ۴، ص ۱۲۶).

### ج. تخریب اقتصاد داخلی مسلمانان با ترغیب آنان به بخل

مخالفان اسلام دریافته‌اند که ضربه‌هایی که از خارج بر اقتصاد یک جامعه وارد می‌شود، می‌تواند با چاشنی آسیب‌پذیری داخلی اقتصاد آن جامعه، بسیار مؤثرتر واقع شود. از این‌رو، علاوه بر تهاجم‌های

اقتصادی از خارج، به سراغ راه‌هایی رفتند که از درون، اقتصاد مسلمانان را دچار تزلزل کند. از جمله کارهایی که از سوی برخی از اهل کتاب در همین راستا انجام شد، قرآن کریم نیز به آن اشاره کرده است، سفارش به بخل و عدم کمک اقتصادی به حکومت اسلامی، رهبر آن و سایر مسلمانان بود. یهودیان به مسلمانان سفارش می‌کردند که اموال خود را این‌گونه مصرف نکنید؛ چراکه دچار فقر می‌شوید. قرآن کریم دربارهٔ چنین سفارشی از یهودیان به مسلمانان می‌فرماید:

«الَّذِينَ يَبِخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا» (نساء: ۳۷)؛ [همان] کسانی که خود بخل می‌ورزند و مردم را [نیز] به بخل فرمان می‌دهند و آنچه را که خداوند از فضل خویش به آنان داده است، نهان می‌دارند. و برای کافران عذابی خوارکننده آماده ساخته‌ایم.

ابوالفتح رازی، ذیل این آیه با نقل جریان مذکور در تفسیر خود می‌نویسد: «سامه بن حبیب و نافع ابن ابی نافع و بحرین عمرو و حبی بن اخطب و رفاعه بن زبیر بن التابوت، به نزدیک جماعتی انصار آمدند و ایشان را گفتند: این مال خرج کنید بر محمد و اصحابش که پس درویش شوید» (رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۵، ص ۳۶۰).

از این رو، آنان با سفارش به بخل و عدم کمک مالی به رهبر جامعه اسلامی و سایر مسلمانان، با تخریب اقتصاد داخلی مسلمانان، زمینه آسیب‌پذیری بیشتر این جامعه را هرچه بیشتر فراهم می‌کردند. از آنجاکه آیاتی مانند آیه ۱۱۹ سوره آل عمران نشان می‌دهد که برخی از اهل کتاب از هیچ‌گونه حرکت تخریبی که بتوانند بر مسلمانان وارد کنند، کوتاهی نمی‌کردند، می‌توان گفت: توطئه‌های آنان، بی‌تردید تخریب اقتصادی را نیز شامل می‌شد. از این رو، ترغیب به بخل می‌تواند یکی از نمونه‌های این تخریب‌ها باشد که در آیه مذکور بدان اشاره شده است. البته شأن نزول خاص مذکور برای این آیه، بر شخصی بودن این رفتار و نزاع دلالتی ندارد؛ چراکه هم بیان آیه عام است و هم طبق فرمایش علامه طباطبائی در تفسیر المیزان، روایات شأن نزول، اسباب نزول نیستند، بلکه فقط تطبیق‌هایی هستند که راویان داشته‌اند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۶۶۳). به هر حال، چه این رفتار، یک رویه عمومی در اهل کتاب بوده باشد و چه رفتاری که از برخی از افراد به علت اغراض یا خصوصیت‌های فردی سر زده باشد، در وقوع چنین رفتاری از برخی اهل کتاب تردیدی وجود ندارد. شایسته است واکنش معصومان علیهم‌السلام در چنین مواردی بررسی شود.

### دفاع اقتصادی معصومان و شیوه‌های آن

منظور از «دفاع اقتصادی»، همان ایجاد اقتصاد شکاف‌ناپذیر و مقاوم در برابر حمله‌های احتمالی یا قطعی دشمنان است که گاه از آن، به «اقتصاد مقاومتی» یاد می‌شود. روشن است معصومان علیهم‌السلام به‌عنوان

رهبران جامعه اسلامی نمی‌توانستند در برابر این هجمه‌های اهل کتاب، دست روی دست گذاشته، بدون هیچ اقدام دفاعی، نظاره‌گر اوضاع باشند، بلکه سیره ایشان نشان می‌دهد که آنان با اتخاذ راه‌کارهای دفاعی متناسب و کارآمد و اعلام مواضع صحیح، به کمک مسلمانان در مقابل این تهاجم‌ها مقاومت و ایستادگی کردند. اکنون به بررسی رویکردها، روش‌ها و ابزارهای دفاعی معصومان علیهم‌السلام در برابر این تهاجم‌ها می‌پردازیم.

## الف. رویکردها

### ۱. توجه به سلامت اقتصاد داخلی

اولین نگاه مهم و بنیادین معصومان علیهم‌السلام به‌عنوان رهبران اسلامی به اقتصاد، نگاه طبیعیانه به وضعیت آن، برای پیش‌گیری از آسیب‌ها یا اصلاح آن است. اسلام، اقتصادی را سالم می‌داند که دارای مؤلفه‌هایی خاص از این دست باشد:

۱. توزیع عادلانه ثروت و پرهیز از انحصار ثروت ملی، رانت‌خواری و ویژه‌خواهی (انفال: ۱؛ حشر: ۷؛ توبه: ۳۴؛ حدید: ۲۵؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۳۴۵، ح ۹۶۱).
۲. جریان کار اقتصادی و ارزش افزوده به معنای تولید ثروت از راه عمل اقتصادی و ایجاد تغییراتی در اصل سرمایه؛ مثل تبدیل خام فروشی برخی کالاها به ایجاد تغییراتی در آن که موجب افزایش بهره می‌شود (هود: ۶۱؛ نحل: ۱۴؛ اسراء: ۱۲ و ۶۶؛ قصص: ۷۳؛ روم: ۴۶؛ جائیه: ۱۲؛ جمعه: ۱۰؛ ملک: ۱۵).
۳. عدالت خدماتی در توزیع؛ مثل مراعات در توزین (انعام: ۱۵۲؛ الرحمن: ۹؛ حدید: ۲۵).
۴. گردش آزاد ثروت: به این معنا که ثروت همواره باید در گردش باشد و از حالت پس‌انداز بی‌ثمر خارج شود، تا شادابی اقتصادی را به دنبال داشته باشد (توبه: ۳۴؛ حشر: ۷).
۵. خوداتکایی و بسنده کردن به منابع طبیعی موجود در آن منطقه جغرافیایی: قناعت به معنای بسنده کردن به داشته‌های خود. مصرف بهینه و پرهیز از تبذیر و اسراف (انعام: ۱۴۱؛ اعراف: ۳۱؛ اسراء: ۲۶؛ فرقان: ۶۷).
۸. بازآفرینی و بازیافت کالا و ثروت (کرم لو، ۱۳۹۳، ص ۸).
۹. پای‌بندی افراد جامعه به انجام وظایف و واجبات مالی: مانند پرداخت زکات و تعامل صادقانه ملت با حکومت در پرداخت مالیات و... (بقره: ۴۱ و ۴۳ و ۸۳ و ۲۷۷).
۱۰. نگاه ایمانی و برادرانه به افراد جامعه: مانند انفاق (بقره: ۳ و ۱۷۷) و پرهیز از احتکار و... (صدوق، ۱۴۰۳، ص ۱۵۱؛ ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۱۹۶).



۱۱. هوشیاری و عقلانیت در اقتصاد: (نساء: ۵).

۱۲. توجه به اهمیت فضای کسب و کار: (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۹، ص ۲۱؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۷۶، ح ۱۱۹).

۱۳. توجه به قداست اقتصاد سالم و نقش بهره‌مندی‌های اقتصادی در امور معنوی: (توبه: ۷۵؛ صف: ۱۰-۱۲؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۷۳).

اگرچه در این مقاله، مجال و طریقه اثبات عناوین فوق، از آیات و روایت اسناد داده‌شده وجود ندارد، اما با مراجعه به منابع مذکور، به روشنی می‌توان دریافت که سلامت اقتصاد داخلی در جامعه اسلامی، مورد توجه جدی اسلام بوده است. حال یا خود معصومان - چنان‌که ذکر شد - درباره مؤلفه‌های مختلف آن سخن گفته‌اند، یا این مؤلفه‌ها از آیات قرآن کریم به دست می‌آید. پس همه این موارد را می‌توان از رویکردهای مهم معصومان علیهم‌السلام برای ایجاد سلامت اقتصادی جامعه اسلامی و افزایش ضریب مقاومت در برابر خطرات اقتصادی به‌شمار آورد.

## ۲. قطع وابستگی اقتصادی به بیگانگان

یکی دیگر از برنامه‌های اسلام برای دستیابی جامعه اسلامی به امنیت پایدار در برابر تهاجم‌های اقتصادی اهل کتاب، برنامه‌ریزی برای قطع وابستگی به بیگانگان است. تاریخ نشان می‌دهد که همه مسلمانان به دستور اسلام موظف بودند با پرداختن به کار و فعالیت اقتصادی، خود را از هر گونه نیاز به بیگانگان و وابستگی مالی به آنان حفظ کنند. ایشان به مسلمانان یاد دادند که از حرکت به سمت استقلال مالی و قطع وابستگی به بیگانگان نهراسند و در این راه واهمه‌ای به دل راه ندهند. از این‌رو، مسلمانان تلاش می‌کردند با تحمل رنج کار و توکل بر خداوند متعال، خوداتکایی را در اقتصاد زندگی خود محور قرار دهند و از دیگران دل بکنند.

ضرب سکه اسلامی به دستور امام باقر علیه‌السلام، یکی از مصادیق بارز توصیه به قطع وابستگی اقتصادی به بیگانگان، از جمله اهل کتاب است. در سده اول هجری صنعت کاغذ در انحصار رومیان بود. مسیحیان مصر نیز به روش رومیان کاغذ می‌ساختند و بنا بر عقیده مسیحیان نشان «اب و ابن و روح» بر آن می‌زدند. عبدالملک اموی، که مرد زیرکی بود، کاغذی از این‌گونه را دید و در نقش آن دقتی کرد و فرمان داد آن را برای او به عربی ترجمه کنند. هنگامی که به معنای پی برد، به خشم آمد و بی‌درنگ به فرماندار مصر نوشت که از آن پس، بر کاغذها شعار توحید «شهد الله انه لا اله الا هو» بنویسند. همچنین به فرمانداران سایر ایالات اسلامی فرمان داد کاغذهایی را که

نشان مشرکانه مسیحیت دارد، از بین ببرند و از کاغذهای جدید استفاده کنند. کاغذهای جدید، به شهرهای روم نیز رسید و قیصر در نامه‌ای خشم خود را به عبدالمملک اعلام و تهدید کرد اگر از این کار دست برنداری، بر روی درهم و دینار دشنام بر پیامبر اسلام نوشته و در میان مردم رواج خواهم داد. تو میدانی که درهم و دینار فقط در روم درست می‌شود.

عبدالمملک که در واکنش به این تهدید، چاره‌ای پیدا نکرد، به پیشنهاد اطرافیانش، امام باقر<sup>علیه السلام</sup> را با احترام به شام آورد، و داستان را به او عرض کرد. امام فرمود: تهدید قیصر در مورد پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله</sup> عملی نخواهد شد. خداوند این کار را بر او ممکن نخواهد ساخت. آن‌گاه فرمود: صنعت‌گران را گرد آور تا به ضرب سکه پردازند و بر یک رو سوره توحید و بر روی دیگر نام پیامبر را نقش کنند تا از مسکوکات رومی بی‌نیاز شویم. با تکمیل توضیحات ایشان، در مورد وزن سکه‌ها و درج نام شهری که در آن سکه می‌زند و تاریخ سال ضرب، سکه‌ها ضرب شد. خبر به قیصر رسید. درباریان از او خواستند تا تهدید خود را عملی سازد، اما قیصر گفت: اینک این کار بیهوده است؛ چون در بلاد اسلام دیگر با پول رومی معامله نمی‌کنند (بیهقی، ۱۳۲۵ق، ج ۲، ص ۲۳۳-۲۳۴).

قاعده «نفی سبیل» (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۰۷-۱۸۷) نیز یکی از قواعدی است که عنصر انگیزشی برای قطع وابستگی همه‌جانبه به غیرمسلمانان در آن بسیار پررنگ است. منشأ قاعده مذکور، این آیه از قرآن کریم است که می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱)؛ و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نمی‌دهد. این قاعده اسلامی برگرفته از قرآن کریم، همواره مورد تأکید معصومان<sup>علیهم السلام</sup> و نقشه راه آنان در عرصه‌های گوناگون و از جمله، عرصه اقتصادی بوده است. به‌عنوان مثال، در روایتی از امام صادق<sup>علیه السلام</sup> نقل شده است: «برای یهودی و نصرانی حق شفعه‌ای وجود ندارد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۸۱؛ صدوق، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۷۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۵، ص ۴۰۱). بنابراین، اساساً نباید با یهودی و مسیحی شریک شد تا حق شفعه و راه تسلطی برای آنان ایجاد نشود. علامه محمدتقی مجلسی، در کتاب *روضه المتقین*، در توضیح این حدیث می‌فرماید: «منظور، حق شفعه یهودی و نصرانی بر فرد مسلمان است؛ زیرا حق شفعه، راه تسلطی بر اوست. درحالی‌که خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نمی‌دهد (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۶، ص ۱۹۶). پس اگر معصومان<sup>علیهم السلام</sup> حتی از حقوق شخصی و نه چندان بزرگ مسلمانان در برابر اهل کتاب دفاع می‌کنند و به خطر افتادن آن، به سبب حق شفعه یهودی یا مسیحی را از این باب که موجب تسلط آنان بر فردی مسلمان می‌شود، اجازه نمی‌دهند،

پس به طریق اولی، از حقوق بزرگتر مسلمانان که به سبب تسلط اهل کتاب بر مسلمانان به خطر افتاده و مسلمانان را به آنان وابسته و محتاج می‌کند، چشم‌پوشی نمی‌کنند.

### ۳. کنترل امور اقتصادی اهل کتاب

معصومان علیهم‌السلام برای پیش‌گیری از کارشکنی‌های اقتصادی اهل کتاب و مقابله با توطئه‌های آنان، اوضاع آنان را زیر نظر داشتند و با برنامه‌ریزی‌های دقیق، فرصت‌های تهاجم اقتصادی را از آنان می‌گرفتند. اخذ مالیات‌های خاص و بازداشتن آنان از بعضی فعالیت‌های اقتصادی در این راستا صورت می‌گرفت. به‌عنوان نمونه، با آنکه انتخاب شغل در حالت عادی از اختیارات خود افراد است، امیرالمؤمنان علی علیه‌السلام به رفاعة بن شداد بجلی (حاکم اهواز)، دستور داد زمین را از صرافانی منع کند (محمودی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۳۴). پرداخت جزیه نیز نمونه دیگری از این باب است که در بحث «روش‌ها» توضیح بیشتری در مورد آن خواهیم داد.

### ۴. هزینه مالی برای پیشبرد امور دفاعی

یکی از راه‌های اقتصادی برای پیش‌گیری از تهاجم‌های اهل کتاب و مقابله با آنها، متمایل کردن قلب‌هایشان با کمک‌های اقتصادی به آنان بود (خزائلی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۳-۱۳۲). قرآن کریم درباره ایجاد جاذبه برای جذب غیرمسلمانان می‌فرماید:

«إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةَ قُلُوبَهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (توبه: ۶۰)؛ زکات‌ها مخصوص فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای [جمع‌آوری] آن زحمت می‌کنند، و کسانی که برای جلب محبتشان اقدام می‌شود، و برای [آزادی] بردگان، و [ادای دین] بدهکاران، و در راه [تقویت آیین] خدا، و واماندگان در راه؛ این، یک فريضة [مهم] الهی است و خداوند دانا و حکیم است.

این آیه به صراحت بیان می‌کند که یکی از راه‌های مصرف زکات، جلب محبت است. تفسیر قمی، در توضیح این فراز می‌گوید:

کسانی که برای جلب محبتشان اقدام می‌شود، کسانی هستند که خدا را یگانه می‌دانند، اما در قلب‌شان این معرفت داخل نشده که «محمد» رسول خدا است؛ پس رسول خدا محبت آنان را جلب می‌کند و به آنها تعلیم می‌دهد تا پیام‌ورند. به همین علت، خداوند سهمی از صدقات را برای این افراد قرار داد تا بفهمند و [به اسلام] رغبت پیدا کنند (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۹۹).

## ب. روش‌ها

در کتاب‌های روایی، احادیث فراوانی وجود دارد که محتوای آنها، بیان روش‌های اقتصادی معصومان علیهم‌السلام برای سامان دادن اقتصاد جامعه اسلامی، استحکام بخشی به زیربنای اقتصادی آن و مقاوم کردن آن در برابر مشکلات داخلی و تهدیدهای دشمنان است. جهت روایات به سمت خوداتکایی جامعه اسلامی، عدم وابستگی و رشد روزافزون آن است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با توصیه به کار، درباره اهمیت آن، کار را با جهاد و انجام امور مستقیم نظامی برای دفاع از اسلام مقایسه نموده، می‌فرماید: «تلاش در طلب روزی برای خانواده ناتوان، نزد خداوند بهتر است از یک سال پیوسته شمشیر زدن همراه امام عادل» (منقی هندی، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۶). این شعار امیرالمؤمنان علیه‌السلام است که می‌فرماید: «مرگ بهتر از تن به ذلت دادن و به اندک ساختن، بهتر از وابستگی است» (نهج البلاغه، ۱۳۸۷، حکمت ۳۹۶). ایشان در کلام دیگری می‌فرماید: «پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: بازرگان امین و راست‌گو و مسلمان، روز قیامت با شهیدان خواهد بود» (پابنده، ۱۳۸۴، ص ۳۹۴). همچنین امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: فرد تلاش‌کننده برای تأمین نیاز خانواده‌اش چون جهادگری در راه خداست (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۸۸). روایات دیگری نیز با همین مضمون وجود دارد (ر.ک. همان؛ آرام، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۳۲۲).

همچنین پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تأکید فراوانی داشتند بر اینکه کارهای خود را خودتان انجام دهید. هرگز از دیگران به اندازه یک چوب مسواک کمک نخواهید (ابن هشام، ۱۳۴۸، ج ۱، ص ۳۴۳). توصیه ایشان به جامعه در این باره که لازم است از دسترنج خودشان بخورند و بیان فایده‌های فراوان این کار، در همین زمینه ارزیابی می‌شود. برای مثال، ایشان می‌فرماید: «از دسترنج خویش بخورید و هر کس چنین کند، خداوند با نظر رحمت به او نگاه خواهد کرد و او را عذاب نمی‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۳، باب ۱). روایات دیگری نیز وجود دارد که گویا به توصیه درباره استفاده از محصولات تولید داخل و پرهیز از استفاده بی حساب از محصولات بیگانگان اشاره می‌کند. برای نمونه، امیرالمؤمنان علی علیه‌السلام می‌فرماید: مادامی که این امت لباس بیگانه نپوشند و از غذاهای آنان استفاده نکنند، همواره در خیر خواهند بود و هنگامی که چنین کنند، خداوند آنان را ذلیل خواهد نمود (برقی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۱۷۸).

تأکیدهای سایر امامان بر مسایل اقتصادی دیگری چون خمس (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۴۱)، زکات (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۱۰، ص ۱۵۳)، قرض الحسنه (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۱۰۷)، انفاق، تجارت‌های سالم (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۱۳۷) و نهی از احتکار، مال‌اندوزی، خوردن اموال ناپاک و ... (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۶۵؛ طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۷۶)، همگی ساختار صحیح اقتصاد اسلامی را شکل داده است. در این

نوشتار، تنها به آن دسته از روش‌های اسلام اشاره دارد که در خصوص دفاع ایشان در برابر اهل کتاب در روایات یافت شده است. آنچه که ما از میان روایات در این راستا بدان دست یافته‌ایم، عبارت است از: اخذ تعهد مالی، حفظ ارتباط اقتصادی در زمان صلح، کمک مالی هدفمند، محدودسازی توان اقتصادی اهل کتاب، و آموزش و روشن‌گری در جامعه اسلامی. اکنون به توضیح این موارد می‌پردازیم.

## ۱. اخذ تعهد مالی

یکی از روش‌های مقابله مالی با اهل کتاب، اخذ تعهد مالی از آنان، به نام «جزیه» است (عمید زنجانی، ۱۳۷۰، ص ۹۵). افزون بر این، در عربی یا غیرعربی بودن اصل واژه «جزیه» اختلاف‌هایی وجود دارد؛ گروهی آن را عربی و از ماده «جزاء» و گروهی دیگر، را معرب کلمه فارسی «گزیت» به معنای مالیات می‌دانند (کلاتری، ۱۳۷۴، ص ۱۷). معنای این واژه در اصطلاح عبارت است از: مالی که حاکم اسلامی بر حسب عقد ذمه از اهل کتاب دریافت می‌کند (حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۲۷۵). در سوره توبه آمده است:

«قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ» (توبه: ۲۹)؛ با کسانی از اهل کتاب که نه به خدا، و نه به روز جزا ایمان دارند، و نه آنچه را خدا و رسولش تحریم کرده حرام می‌شمرند، و نه آیین حق را می‌پذیرند، بیکار کنید تا زمانی که با خضوع و تسلیم، جزیه را به دست خود بپردازند.

از عبارت «وَهُمْ صَاغِرُونَ» (با خضوع و تسلیم). در این آیه، به خوبی به دست می‌آید که پرداخت جزیه با گردن‌کشی و خیانت سازگار نیست و باید با تسلیم و خضوع انجام شود. از این رو، می‌توان جزیه را یکی از راه‌های کنترل اهل کتاب و پیش‌گیری از گردن‌کشی‌های آنان دانست. این کار، که با هدف ایجاد برابری اهل ذمه با مسلمانان در حقوق، آزادی، مال و عرض و... انجام می‌شد، یکی از راه‌های هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با اهل کتاب، رصد مستمر آنان، حفظ روحیه تسلیم آنان در مقابل مسلمانان و در نهایت، روشی پیش‌گیرانه در برابر تهاجم‌ها و توطئه‌های آنان می‌باشد (حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۲۵۷؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۸، ص ۱۱۴؛ رشید رضا، ۱۳۷۳ق، ج ۱۰، ص ۳۴۳؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۲۴۰). البته در بیان فلسفه تشریح جزیه، اختلاف‌هایی وجود دارد (ر.ک. کلاتری، ۱۳۷۴، ص ۲۹).

از آنجاکه مصرف جزیه‌های دریافت‌شده، اختصاص به امور نظامی دارد (مروارید، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۱۵۳)، می‌توان آن را وجه دیگری برای پیشبرد اهداف دفاعی نظام اسلام در برابر دشمنان اسلام به‌شمار آورد. این مطلب را می‌توان در عهدنامه‌های فراوانی که در زمان معصومان علیهم‌السلام با اهل کتاب بسته شده است،

مشاهده کرد (ر.ک: کلاتری، ۱۳۷۴، ص ۴۰). یکی از آنها، عهدنامه‌ای است که خالده بن ولید، با مسیحیان اطراف «فرات» منعقد کرد. متن عهدنامه چنین است:

این نامه‌ای است از خالده بن ولید به صلوبا (بزرگ مسیحیان) و جمعیتش. من با شما پیمان می‌بندم بر جزیه و دفاع، و در برابر آن شما در حمایت ما قرار دارید و تا هنگامی که ما از شما حمایت می‌کنیم، حق گرفتن جزیه داریم؛ اگر نه، حقی نخواهیم داشت. این عهدنامه در سال دوازده هجری در ماه صفر نوشته شد (رشید رضا، ۱۳۷۳ق، ص ۲۹۴).

از سوی دیگر، همسو بودن پرداخت جزیه و مسئله دفاع به روشنی در این عهدنامه، قابل ملاحظه است، تقریر معصوم نشانگر پذیرش این روش است.

## ۲. حفظ ارتباط اقتصادی در زمان صلح

این موضوع که آیا در برابر هجمه‌های اهل کتاب و آزارهای گوناگون آنان، می‌توان با آنان ارتباط اقتصادی داشت یا خیر، مسئله‌ای است که می‌توان پاسخ آن را در روایات جست‌وجو کرد. مطالعه سیره معصومان علیهم‌السلام نشان می‌دهد که ایشان در زمان‌های عادی و غیرخاص، با اهل کتاب روابط اقتصادی داشتند. معامله‌های گوناگون اقتصادی، قرض و... نشانه‌هایی از این روابط اقتصادی است که می‌توان آنها را در روایات و تاریخ مشاهده کرد. برای نمونه، در روایتی نقل شده است که فردی یهودی به نام حویجر دینارهایی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم طلب داشت (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، ص ۴۰۸). در روایت دیگر آمده است: امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام بیمار شدند. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و افراد دیگری به عیادتشان رفتند. امیرالمؤمنان علیه‌السلام گفتند: اگر برای فرزندان نذری می‌کردی، خوب بود. حضرت نذر کردند که اگر دو فرزندم بهبود یافتند و از این بیماری رها شدند، برای سپاس‌گذاری به درگاه خداوند، سه روز روزه بگیرم. حضرت فاطمه علیها‌السلام و کنیزشان نیز همین نذر را انجام دادند. اما هنگامی که امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام از بیماری رهایی یافتند، اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم غذایی نداشتند بخورند و برای ادای نذرشان روزه بگیرند. پس امیرالمؤمنان علیه‌السلام نزد شمعون خیبری، که فردی یهودی بود، رفت و از او سه صاع جو قرض گرفت (اربلی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۳۰۲). در روایت دیگری آمده است که حضرت علی علیه‌السلام آبیاری نخلستان گروهی از یهودیان را به عهده گرفت و دستمزدش را صدقه داد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۱، ص ۱۴۴).

این روایات و امثال آن، نشان از برقراری روابط اقتصادی میان معصومان علیهم‌السلام و اهل کتاب دارد. به‌طورکلی، معامله با اهل کتاب جز در موارد حرام، مانند شراب، آلات لهو، جایز است. اصلاً اجازه سکونت اهل کتاب در جامعه اسلامی با ممنوع بودن داد و ستد آنان سازگار نیست. سیره معصومان علیهم‌السلام

بر ارتباط عادی با اهل کتاب ساکن در حوزه زندگی مسلمانان بوده و با آنان مانند سایر مسلمانان رفتار می‌کردند. برای مثال، قراردادهای خرید و فروش (الجوزی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۸۳)، مضارعه (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۳، ص ۲۰۴)، اجاره (همان، ص ۲۶۹)، قرض (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۱۵) و... با آنان منعقد می‌کردند.

در فقه اسلامی آمده است: ارتباط بازرگانی با غیر اهل حرب از اهل کتاب جایز است؛ زیرا بنا بر روایات این افراد از احترام مالی برخوردارند؛ چراکه از بین بردن اموال اهل ذمه ضمان دارد (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۰۴). دزدیدن اموال آنان برای مسلمانان حرام و موجب حد است (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۴۸۹؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۸۳)، اگر اهل ذمه، زمینی را احیا کنند، مالک می‌شوند (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۳۸، ص ۱۳-۱۴). ارث بردن مسلمان از کافر، پذیرفته است (همان، ج ۳۹، ص ۱۶؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۳۶۴).

### ۳. کمک مالی هدفمند

همان‌گونه که در بحث رویکردها اشاره شد، یکی از راه‌های اقتصادی برای پیش‌گیری از تهاجم‌های اهل کتاب و مقابله با آنها، متمایل کردن قلب‌هایشان با کمک‌های اقتصادی به آنان بود. در آیه ۶۰ سوره توبه نیز به این مطلب تصریح دارد (خزائلی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۳-۱۳۲). کمک مالی هدفمند به اهل کتاب، یکی از روش‌های معصومان علیهم‌السلام بود که در همین راستا و برای جلب نظر آنان و رفع خطرشان انجام می‌شد. روزی جارود بن عمرو که فردی مسیحی بود، نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمد و ایشان اسلام را به او عرضه کرد. او در پاسخ گفت: ای محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم! من قرضی دارم و اکنون می‌خواهم به خاطر دین تو، دست از کیش خود بردارم. آیا پرداخت قرض مرا به عهده می‌گیری؟ پیامبر فرمود: آری، من ضمانت می‌کنم؛ زیرا خداوند تو را به دین بهتری هدایت فرمود (ابن هشام، ۱۳۴۸، ج ۲، ص ۳۵۷).

حضرت علی علیه‌السلام با جایز دانستن کمک مالی به اهل کتاب، می‌فرماید: «وصیت فرد در یک سوم اموالش نافذ است، گرچه به سود یهودی یا مسیحی باشد» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۱۱). البته از مسلمان به غیر مسلمان ارث نمی‌رسد (رک: حلی، ۱۴۳۲ق، ص ۸۱۴). در این شیوه، با کمک مالی به اهل کتاب و کاهش نفرت و عداوت قلبی آنان نسبت به مسلمانان، راه زندگی مسالمت‌آمیز و کم‌مخاطره با اهل کتاب برای مسلمانان فراهم می‌شد و آنان می‌توانستند با آرامش و اطمینان بیشتر به زندگی عادی خود ادامه دهند و از تهاجم‌های احتمالی اهل کتاب در امان باشند.

#### ۴. محدودسازی امور اقتصادی اهل کتاب

بعضی روایات نشان می‌دهد که معصومان علیهم‌السلام توجه ویژه‌ای به این نکته داشتند که مسلمانان با دست‌ان خود، زمینه توطئه را برای اهل کتاب فراهم نسازند. ایشان با برنامه‌ریزی دقیق اقتصادی و دقت در جوانب امور، فرصت‌های خیانت را از اهل کتاب می‌گرفتند و راه‌های منفعت‌رسانی بی‌جای مسلمانان به آنان را مسدود می‌کردند.

در این زمینه، می‌توان به منع معصومان علیهم‌السلام از شراکت‌های اقتصادی مسلمانان با اهل کتاب، در برخی شرایط اشاره کرد؛ چراکه چنین شرایطی می‌توانست زمینه خیانت آنان را فراهم و توان وارد کردن ضربه‌های اقتصادی به مسلمانان را در آنان ایجاد کند. امام صادق علیه‌السلام از مشارکت اقتصادی فرد مسلمان با یهودی، نصرانی و مجوسی منع کرده‌اند، مگر اینکه در تجارتی باشد که با حضور فرد مسلمان انجام شود و فرد مسلمان در آن تجارت غایب نباشد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۸۶). در این بحث، این نکته نیز قابل توجه است که اگر مسلمانی در موارد جایز با اهل کتابی شریک شد، یا اگر دو کافر با هم شریک باشند، در صورتی که سهم خود را به مسلمانی بفروشد، شریک او (کافر)، نمی‌تواند از حق شفعه استفاده کرده، متاع را از مشتری مسلمان بستاند و بهایش را به او بدهد. صاحب **جوهر**، در میان شیعه و ابن‌قیم در میان اهل سنت، بر این حکم ادعای اجماع کرده‌اند (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۳۷، ص ۲۹۴؛ الجوزی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۲۹۱). امام صادق علیه‌السلام نیز از اجدادشان از امیرالمؤمنان علیه‌السلام نقل می‌فرمایند: «برای یهودی و نصرانی حق شفعه وجود ندارد» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۳۲۰). پس اگر شراکت کرد، باید به گونه‌ای باشد که برای اهل کتاب حق شفعه‌ای وجود نداشته باشد.

در روایت دیگری به موضوع ارث پرداخته شده، با محدود کردن آن، هرگونه راه توطئه احتمالی از طرف اهل کتاب مسدود شده است؛ چراکه این امر می‌توانست منجر به تقویت توان اقتصادی اهل کتاب و تضعیف اقتصادی مسلمانان شود. در این رابطه، محمدبن قیس می‌گوید: شنیدم که امام باقر علیه‌السلام می‌فرمایند: «یهودی و نصرانی از مسلمان ارث نمی‌برند، ولی مسلمان از یهودی و نصرانی ارث می‌برد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۱۴۳).

افزون براین، می‌توان در این باب نیز به جزیه اشاره کرد که به حکم خداوند در قرآن و دستور معصومان علیهم‌السلام از اهل کتاب ستانده می‌شد. **ثولیس و لهاوزن**، یکی از شقوق‌شناسانی است که بر بازرندگی جزیه از ماندن اهل کتاب بر دین خود تأکید دارد و نتیجه سخن او این است که جزیه اهل کتاب را به



مسلمان شدن سوق داده، خطر آنان را برای اسلام از بین برد. او برای اثبات سخن خود به علت‌هایی نیز تمسک می‌کند (کلاتری، ۱۳۷۴، ص ۴۵).

## ۵. آموزش و روشن‌گری در جامعه اسلامی

در فراز پیشین (محدودسازی امور اقتصادی اهل کتاب)، به مواردی اشاره شد که نشان می‌دهد معصومان علیهم‌السلام علاوه بر اقدامات لازمی که از سوی حکومت و خودشان به‌عنوان رهبر مسلمانان انجام می‌دادند، فضای مهمی را نیز در راستای روشن‌گری در میان مسلمانان ایجاد می‌کردند و با دادن اطلاعات لازم، آموزش راه‌کارها و بیان احکام اسلامی مؤثر در تنظیم روابط اقتصادی با اهل کتاب، مردم را برای مبارزه بهتر با حمله‌های اهل کتاب آماده می‌کردند. امام صادق علیه‌السلام با یک آموزش مؤثر اقتصادی، مبتنی بر احکام دین، مشارکت اقتصادی فرد مسلمان با یهودی، نصرانی و مجوسی در تجارتی که فرد مسلمان در آن غایب است را ممنوع کردند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۸۶). همچنین، ایشان از اجدادشان از امیرالمؤمنان علیه‌السلام برای مسلمانان نقل فرمودند: برای یهودی و نصرانی حق شفعه وجود ندارد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۳۲۰). امام باقر علیه‌السلام نیز در قالب آموزش اقتصاد دینی می‌فرمایند: یهودی و نصرانی از مسلمان ارث نمی‌برند، ولی مسلمان از یهودی و نصرانی ارث می‌برد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۱۴۳). پس، احادیث مزبور، از یک زاویه، از مصادیق روش‌های پیشین هستند، و از زاویه دیگر، نمونه‌هایی برای روش اخیر یعنی آموزش و روشن‌گری در جامعه اسلامی به‌شمار می‌روند.

## ج. ابزارها

به‌کارگیری روش‌های اقتصادی برای محقق‌ساختن رویکردهای معصومان علیهم‌السلام، در صورتی عملی بود که زمینه‌های لازم برای آن فراهم می‌شد. به همین منظور، معصومان علیهم‌السلام ابزارهایی را برای ایجاد امکان انجام روش‌هایشان به کار می‌گرفتند. این ابزارها، که عبارت بود از وضع و بیان احکام اسلامی، انعقاد قراردادهای مالی و بازرگانی، و استفاده از ظرفیت مالی اهل کتاب و مسلمانان، اجرای مقاصد ایشان را ممکن و عملی می‌کرد.

## ۱. وضع و بیان احکام اسلامی

کراهت مشارکت اقتصادی فرد مسلمان با یهودی، نصرانی و مجوسی، جز در تجارتی که با حضور فرد مسلمان انجام شود و فرد مسلمان در آن تجارت غایب نباشد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۸۶)، عدم جواز

استفاده از حق شفعه توسط فردی از اهل کتاب، در جایی که مسلمانی با رعایت ضوابط، با اهل کتابی شریک شد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۳۲۰) و منع ارث بردن یهودی و نصرانی از مسلمان (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۱۴۳)، نمونه‌هایی از احکام ثمربخش در بعضی از روش‌های معصومان علیهم‌السلام هستند که پیش از این بدان‌ها اشاره شد و مهم‌تر از این موارد، جزیه‌ای است که به حکم خداوند، در قرآن و دستور معصومان علیهم‌السلام از اهل کتاب ستانده می‌شد و منافع زیادی را برای مسلمانان برای قدرت یافتن در برابر اهل کتاب و از بین بردن خطر تهاجم‌های آنان به ارمغان می‌آورد.

اگر معصومان علیهم‌السلام بخواهند رویکرد کنترل امور اقتصادی اهل کتاب و توجه به سلامت اقتصادی مسلمانان را با روش‌هایی چون محدودسازی امور اقتصادی اهل کتاب و آموزش و روشن‌گری در جامعه اسلامی پیاده کنند، نیاز به ابزار کارآمدی دارند که به وسیله آن، به هدف خود دست یابند. با نگاهی به این موارد، می‌توان گفت: احکام اسلامی ابزار مؤثری در این راستا بوده است. در واقع، احکام دین اسلام، دستوراتی برای تعیین چگونگی رفتار مسلمانان است که از سوی طرف شارع مقدس صادر می‌شود. از آنجاکه مسلمانان عمل خود را با این احکام می‌سنجیدند، این ابزار کارآیی فراوانی برای عملی کردن رویکردها و روش‌های معصومان علیهم‌السلام داشت و جدیت اسلام و رهبران اسلامی، در مطالبه خواسته‌هایشان از مسلمانان نسبت به چگونگی رفتار با اهل کتاب را به روشنی بیان می‌کرد.

## ۲. انعقاد قراردادهای مالی و بازرگانی

قراردادهای اقتصادی نیز یکی دیگر از ابزارهای مناسب برقراری ارتباط اقتصادی و بازرگانی با اهل کتاب بود که در قالب خرید و فروش، مضارعه، اجاره، قرض و... انجام می‌شد. افزون بر احکامی که برای این موارد ذکر می‌شد و به‌عنوان یک ابزار برای اجرایی کردن مقاصد معصومان علیهم‌السلام، جواز یا حرمت هریک از آنها بیان گردید، انعقاد قراردادهای مجاز نیز نقش یک ابزار ضروری را برای عملی کردن رویکردها و روش‌های معصومان علیهم‌السلام ایفا می‌کرد؛ یعنی این‌گونه نبود که فقط احکام این موارد بیان شود و نظر اسلام گفته شود، بلکه خود معصومان علیهم‌السلام نیز با استفاده از ابزار دیگری به نام قراردادهای بازرگانی ابزار اول را تقویت می‌کردند.

این‌قیم با اشاره به نمونه‌ای از استفاده معصومان علیهم‌السلام از این ابزار، می‌گوید: در تاریخ ثبت است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم کالایی را به صورت نسیه از مردی یهودی خریداری کرد و قرار شد که هر زمان توان مالی یافت، مبلغش را پرداخت کند. همچنین، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از مردی یهودی، ۳۰ من جو خرید و

سپر خویش را گرو گذاشت. در نقل دیگری نیز آمده است که پیامبر ﷺ با یهودیان مزارعه و مساقات داشت (الجوزی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۲۶۹). همچنین پیامبر ﷺ از شخصی یهودی قرض گرفت (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۱۵) و حضرت علی ﷺ آبیاری نخلستان گروهی از یهودیان را به عهده گرفت و دستمزدش را صدقه داد. این کار بر جواز اجاره نفس به اهل کتاب دلالت دارد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۱، ص ۱۴۴؛ الجوزی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۸۳).

معصومان ﷺ با تأیید خویش بر بعضی از ابزارهای برقراری ارتباط اقتصادی نیز مسلمانان را در اجرای روش ارتباط اقتصادی با اهل کتاب در زمان صلح هدایت می‌کردند. برای نمونه، سماعه می‌گوید: از امام ﷺ پرسیدم: آیا مسلمان می‌تواند با مشرک مزارعه کند، بدین‌گونه که بذر و گاو از مسلمان و زمین، آب، خراج و کار از مشرک باشد؟ ایشان فرمود: مانعی ندارد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۳، ص ۲۰۴).

### ۳. استفاده از ظرفیت مالی اهل کتاب و مسلمانان

بی‌تردید فعالیت‌های اقتصادی نیاز به منابع و ابزارهای مالی دارد؛ اگر گروهی بخواهد دفاعی اقتصادی در برابر گروه دیگر داشته باشد، باید به منابع مالی لازم هم دست یابد. اسلام نیز از این ابزار مهم در اعمال رویکردها و روش‌های دفاع اقتصادی خود در برابر تهاجم‌های اقتصادی اهل کتاب استفاده کرده است. اموال اهل کتاب، یکی از ابزارهای مالی بود که معصومان ﷺ در دفاع اقتصادی خود از آن استفاده می‌کردند. این ابزار، می‌توانست برای از بین بردن خطر تهاجم اهل کتاب بسیار مؤثر باشد؛ زیرا پرداخت جزیه با گردن‌کشی و خیانت سازگار نیست و باید با تسلیم و خضوع انجام شود. از این‌رو، می‌توان جزیه را ابزاری برای کنترل اهل کتاب و پیش‌گیری از گردن‌کشی‌های آنان دانست؛ به این صورت که آنان را به این وسیله، وادار به محترم شمردن حقوق مسلمانان و قوانین جامعه اسلامی نمود و هرگاه که از این امر سر باز زدند، آنان را شناسایی نموده، اقدامات لازم را برای از بین بردن خیانت آنان به عمل آورد. همچنین، برای اینکه مسلمانان بتوانند اشراف خوبی بر آمار اهل کتاب داشته باشند تا آنان را مدیریت کنند نیز ابزار خوبی به‌شمار می‌آمد.

بخش دیگری از منابع مالی لازم برای دفاع اقتصادی در برابر اهل کتاب، از طریق اموال مسلمانان تأمین می‌شد. این مورد، هم به‌عنوان ابزاری دفاعی برای پیش‌گیری و رفع تهاجم اهل کتاب کمک شایانی می‌کرد. تألیف قلوب، یکی از کارهایی بود که با ظرفیت مالی مسلمانان انجام می‌شد. به گفته مفسران، کسانی که با کمک مالی برای جلب محبتشان اقدام می‌شود، کسانی هستند که خدا را یگانه می‌دانند، اما در قلبشان این معرفت داخل نشده که «محمد ﷺ» رسول خداست. پس رسول خدا ﷺ

محبت آنان را جلب می‌کند و به آنها تعلیم می‌دهد تا بیاموزند. از این رو، خداوند سهمی از صدقات را برای این افراد قرار داد تا بفهمند و [به اسلام] رغبت پیدا کنند (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۹۹). البته برخی، این افراد را افراد تازه‌مسلمانی می‌داند که با کمک مالی به آنها ایمانشان نسبت به اسلام راسخ‌تر می‌شود (رک. نجفی، ۱۳۶۵، ج ۱۵، ص ۳۳۸).

اما غیر از بحث تألیف قلوب از طریق زکات، حضرت علی علیه السلام با جایز دانستن کمک مالی به اهل کتاب، می‌فرماید: «وصیت فرد در یک سوم اموالش نافذ است، گرچه به سود یهودی یا مسیحی باشد» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۱). البته از مسلمان به غیرمسلمان ارث نمی‌رسد (حلی، ۱۴۳۲، ص ۸۱۴). این موارد، می‌تواند نسبت سوء اهل کتاب نسبت به اسلام را از بین ببرد، آنان را به این دین متمایل کند و خطرشان را مرتفع سازد. بنابراین، منابع مالی موجود در میان مسلمانان، خود می‌تواند ابزاری برای دفاع اقتصادی اسلام و کاهش خطرات تهاجم‌های اهل کتاب باشد.

### نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه گفته شد، می‌توان دریافت که اهل کتاب در طول تاریخ زندگی معصومان علیهم السلام مواضع متفاوتی را نسبت به مسلمانان از خود نشان داده‌اند: برخی خوش‌رفتار، عده‌ای بی‌تفاوت و دسته‌ای از آنان رفتاری توأم با کینه و عداوت داشتند. همچنین، دسته آخر، شیوه‌های گوناگونی را برای ابراز دشمنی خود به کار می‌گرفتند. یکی از آنها، تهاجم اقتصادی بر مسلمانان بود. تحریم، عدم بازپرداخت اموال مسلمانان و تخریب اقتصاد داخلی مسلمانان، با ترغیب آنان به بخل، گونه‌هایی از حمله‌های اقتصادی آنان بود.

چنانچه گفته شد، معصومان علیهم السلام در برابر این حمله‌ها، ساکت ننشستند و با درایت کاملی که حاصل اتصال ایشان به مخزن علم بی‌انتهای الهی بود، رویکردها، روش‌ها و ابزارهای مؤثری را برای از بین بردن آثار زیان‌بار این تهاجم‌ها به کار گرفتند. آنان با رویکرد توجه به سلامت اقتصاد داخلی، قطع وابستگی اقتصادی به بیگانگان، کنترل امور اقتصادی اهل کتاب و هزینه مالی برای پیشبرد امور دفاعی خود، مسلمانان را به ایستادگی در مقابل حمله‌های دشمنان اسلام هدایت کردند.

این رویکردها، وقتی با روش‌ها و ابزارهای صحیح انجام شود، به طور فزاینده‌ای مسلمانان را در دفاع اقتصادی خود موفق می‌کند. اخذ تعهد مالی از اهل کتاب، که از طریق دریافت جزیه از آنان و از بین بردن گردن‌کشی‌هایشان انجام می‌شد، روش بسیار مؤثری برای کنترل اهل کتاب بود. به گونه‌ای که خود آنان نیز به این امر اعتقاد دارند. همچنین تاریخ نشان می‌دهد که حفظ ارتباط اقتصادی با اهل کتاب در زمان صلح به‌عنوان روشی دیگر، موجب قدرت گرفتن اقتصاد جامعه اسلامی و پیش‌گیری از عقب‌ماندگی مسلمانان در

زمینه‌های اقتصادی شد. کمک مالی هدفمند به اهل کتاب، عده زیادی از آنان را به سمت اسلام متمایل کرد و از دشمنی آنان نسبت به مسلمانان و خطرات هجمه‌های آنان کاست. محدودسازی امور اقتصادی اهل کتاب نیز زمینه‌های توطئه را برای اهل کتاب از بین برد. معصومان علیهم‌السلام از این طریق، فرصت‌های خیانت را از اهل کتاب گرفتند و راه‌های منفعت‌رسانی بی‌جای مسلمانان به آنان را مسدود کردند. البته همه این روش‌ها، وقتی معنا پیدا می‌کرد که توأم با روش دیگری به نام «آموزش و روشن‌گری» در جامعه اسلامی بود.

حضرات معصومان علیهم‌السلام با ابزارهای محکمی چون وضع و بیان احکام اسلامی، انعقاد قراردادهای بازرگانی و استفاده از ظرفیت‌های مالی اهل کتاب و مسلمانان، روش‌های خود را به بهترین وجه اجرا می‌کردند، به‌گونه‌ای که این روش‌ها برای امروز و فردای جامعه ما نیز می‌تواند الگویی قابل اتکا و مطمئن باشد.

اکنون، مسلمانان عصر حاضر می‌توانند با تأملی ژرف در شیوه‌های دفاع اقتصادی و دریافت صحیح پیام‌های وحیانی و هدایت‌های معصومان علیهم‌السلام همواره خود را از توطئه و آسیب‌های دشمنان حفظ نموده، و حافظ اقتدار پرچم برافراشته اسلام بر قلعه رفیع سعادت بشر باشند.

Archive of SID

## منابع

- نهج البلاغه**، ۱۳۸۷، ترجمه محمد دشتی، چ ششم، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، ۱۴۰۴ق، **شرح نهج البلاغه**، محقق ابراهیم، محمد ابوالفضل، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- الحسانی ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ق، **عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة**، تحقیق و تصحیح مجتبی عراقی، قم، دار سیدالشهداء.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، **لسان العرب**، چ سوم، بیروت، دار صادر.
- ابن هشام، عبدالملک، ۱۳۴۸، **سیره النبی**، تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، اسلامیه.
- اتل، عبدالله، **خطر اليهودیه العالمیه علی الإسلام و المسیحیه**، دارالقائم.
- اربلی، علی بن عیسی، ۱۳۶۴، **کشف الغمه فی معرفه الأئمة**، ترجمه علی بن حسین زورائی، چ دوم، قم، ادب الحوزة و کتابفروشی اسلامی.
- اقتداری، علی محمد، ۱۳۷۸، **اقتصاد عمومی**، تهران، مولوی.
- آرام، احمد، ۱۳۸۰، **الحیة**، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بجنوردی، سیدحسن، ۱۴۱۹ق، **التواعد الفقهیة**، تحقیق مهدی مهزیزی و محمدحسن درایتی، قم، الهادی.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، ۱۴۱۶ق، **المحاسن**، تحقیق مهدی رجائی، قم، المجمع العالمی لاهل البيت علیهم السلام.
- برنجی، سلیم، ۱۳۶۷، **قوم از یاد رفته**، تهران، دنیای کتاب.
- بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد، ۱۹۶۴م، **الأثار الباقیة**، بغداد، مکتبه المثنی.
- بیهقی، ابراهیم بن محمد، ۱۳۲۵ق، **المحاسن و المساوی**، مصر، مکتبه النهضة.
- پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۴، **نهج الفصاحة**، چ چهارم، تهران، دنیای دانش.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، **غرر الحکم و درر الکلم**، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- الجوزیه، ابن قیم محمد بن ابی بکر، ۱۴۲۱ق، **احکام اهل الذمه**، بیروت، دارالجمیل.
- حلی، جعفر بن حسن، ۱۴۳۲ق، **شرائع الاسلام**، نجف اشرف، ذوی القربی.
- حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۱۴ق، **تذکره الفهماء**، قم، مؤسسه آل البيت.
- خزائی، احمد رضا، ۱۳۹۳، «دیلماسی پیامبر صلی الله علیه و آله و ابزارهای توسعه روابط بین الملل با سایر دولت‌ها»، **پژوهشنامه روابط بین الملل**، ش ۲۸، ص ۱۰۳-۱۳۲.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۴۹، **لغتنامه دهخدا**، تهران، دانشگاه تهران.
- رازی، ابوالفتح حسین بن علی، ۱۴۰۸ق، **روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن**، تحقیق محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- رشیدرضا، محمد، ۱۳۷۳ق، **تفسیر المنار**، مصر، دارالمنار.
- زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۱۷ق، **الفتاوی فی غریب الحدیث**، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۴ق، **الدر المثور فی تفسیر المأثور**، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- شهرستانی، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم، ۱۹۷۵م، **الملل و النحل**، چ دوم، بیروت، دارالمعرفة.
- صالحی الشامی، محمد بن یوسف، ۱۴۱۴ق، **سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد**، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- صدر، سیدمحمدباقر، ۱۴۲۰ق، **ما وراء الفقه**، بیروت، دار الأضواء للطباعة و النشر و التوزیع.
- صدوق، علی بن الحسین، ۱۴۰۴ق، **الإمامة و التبصرة من الحیره**، قم، مدرسه امام مهدی علیه السلام.

- صدوق، محمدبن علی، ۱۴۰۳ق، *معانی الأخبار*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۴۱۳ق، من لایحضره الفقیه، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- طباره، عقیق عبدالفتاح، ۱۹۸۴م، *اليهود في القرآن*، چ دهم، بیروت، دارالعلم للملایین.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل‌بن حسن، ۱۳۶۰، *تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، فراهانی.
- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، تحقیق احمد حسینی اشکوری، چ سوم، تهران، مرتضوی.
- طوسی، محمدبن حسن، ۱۳۶۵، *تهذیب الاحکام*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ، ۱۴۱۴ق، *آمالی*، قم، دارالثقافة.
- عاملی، جعفر مرتضی، ۱۴۰۰ق، *الصحيح من سيرة النبي الأعظم*، قم، بی‌نا.
- عاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعة*، قم، مؤسسه آل‌ال‌بیت.
- عمیدزنجانی، عباسعلی، ۱۳۷۰، *حقوق اقلیت‌ها*، چ پنجم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- عمید، حسن، ۱۳۵۰، *فرهنگ عمید*، چ چهارم، تهران، جاویدان.
- فراهیدی، خلیل‌بن احمد، ۱۴۰۹ق، *العین*، چ دوم، قم، هجرت.
- قرطبی، محمدبن احمد، ۱۳۶۴، *الجامع لاحکام القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- قمی، علی‌بن ابراهیم، ۱۳۶۷، *تفسیر قمی*، تحقیق سیدطیب موسوی جزایری، چ چهارم، قم، دارالکتاب.
- کرم‌لو، علی، ۹۳/۱۱/۱۸، «مبانی قرآنی اقتصاد مقاومتی»، *روزنامه کیهان*، شماره ۲۰۹۸۹، ص ۸ (معارف).
- کلانتری، علی‌اکبر، ۱۳۷۴، *جزیه واحکام آن در فقه اسلامی*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۶، *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشر نی.
- متقی‌هندی، علاء‌الدین، ۱۴۰۵ق، *کنز العمال*، بیروت، مؤسسه الرساله.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ، ۱۴۰۴ق، *مرآة العقول فی شرح اخبار الرسول*، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدتقی، ۱۴۰۶ق، *روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه*، تحقیق حسین موسوی کرمانی و علی‌پناه اشتیاردی، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.
- محمودی، محمدباقر، ۱۴۱۸ق، *نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه*، تصحیح عزیز آل طالب، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مروارید، علی‌اصغر، ۱۴۱۴ق، *سلسله ینایع الفقهیه*، قم، دارالتراث و الدار الإسلامیه.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۷۹، *تحریر الوسیله*، قم، دارالعلم.
- نجفی، محمدحسن، ۱۳۶۵، *جواهر الکلام*، چ دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- نوری، حسین‌بن محمدتقی، ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل‌ال‌بیت.
- de Lange, Nicholas, 2000, *An introduction to Judaism*, Cambridge, Cambridge University press.
- Schaff P. 1919, *Creeeds of Christendom*, New York, Harper.
- Walsh, Michael, 2005, *Roman Catholicism: The Basics*, Routledge, by Taylor & Francis Inc, London & New York.